مقدّمهء ناشر کتاب – مفاوضات، طبع سنهء ١٩٠٨ م

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### مقدّمهء ناشر کتاب – مفاوضات، طبع سنهء ١٩٠٨ م

## ﴿ بسمه تعالی ﴾

حمد و سپاس خداوندی را سزاست که از کمال عنايت خود انسان را به پيرايهء عقل بياراست و بدان وسيله او را باکتشاف اسرار کاينات و معرفت رموز اسماء و صفات خود هدايت فرمود و مشيّت ازليّه اش بر آن قرار گرفت که درين دور اعلی که مظهر شروق نور ابهی است شرق و غرب به رابطهء محبّة الله مرتبط گردد و اختلافات مذهبی و دينی و امتيازات قومی و وطنی مرتفع شود و سطح ارض عامّهء نوع بشر را يک وطن مشترک گردد. بلی درين يوم بديع کلّ عباد الله اوراق يک غصن اند و قطرات يک بحر.

منّت بی پايان خدای را نيز که اين کمينهء بی مقدار را با قلّت سرمايهء طاعت و عدم شايستگی و لياقت بفيض ملاقات حضرت عبدالبهاء روحی لتراب اقدامه الفداء موفّق گردانيد و از دست فيّاض آن ساقی ازل کأس معانی نوشانيد.

پس از آنکه اين کمينه چندين مرتبه بزيارت ارض مقصود تشرّف جست و به منتهای آمال و امانی خود نايل آمد شوق درک حقايق روحانی و اغتراف از آن بحر بيکران معانی سراپای دل او را فرو گرفت پاره ای سؤالات در خصوص امر ابهی و ساير مسائل الهيّه از آن حضرت نمود و ايشان با نهايت رأفت و عاطفت با وجود مشاغل دائمهء يوميّه که آنی از آن راحت نبودند جواب جميع سؤالات او را در خور فهم وی بيان فرمودند. و به ملاحظهء اينکه اين کمينه تواند پس از آن بفراغت و فرصت در آن مسائل غامضه تأمّل نمايد يک نفر کاتب تند نويس معيّن گرديد که بيانات حضرت عبدالبهاء را در حين تکلّم بقيد کتابت در می آورد. چون اين کمينه را از معرفت زبان پارسی نصيب وافی نبود و از خوض در عباب مسائل معضلهء الهيّه حظّی کافی نه حضرت عبدالبهاء روحی له الفداء غالب اوقات مجبور شده اند که عين يک مطلب را در مواضع متعدّده تکرار نمايند و همان استعارات و تشبيهات را که در يک موضوع معيّن بکار برده اند در بسياری از موضوعات ديگر استعمال نمايند و با آنکه چنين حقايق عاليه را انشاء عالی در خور است عبارات خود را در کمال بساطت و سادگی بيان نمايند.

باری پس از چندی مجموعهء وجيزه ای از آن سؤال و جوابها فراهم گرديد و اين کمينه همواره از تأمّل در حقايق باهرهء آن متمتّع می گشت. پس چنان بخاطر وی رسيد که ساير تشنگان زلال معرفت را نيز از اين آب حيات جاودانی بی بهره نگذارد و کلّ نفوس را از احباب و اغيار و اقاصی و ادانی از مندرجات حقايق آيات آن منبع فيض سرمدی مستفيض گرداند. لهذا از حضرت عبدالبهاء رخصت خواست که آن سؤال و جوابها را بهيأت کتابی طبع و نشر سازد و فائدهء آنرا بعموم ناس برساند.

پس از تحصيل اجازه به ترتيب و نظم آن فصول مشغول گرديد و آن بيانات را که مانند لآلی منثور بی نظام در گوشه ای افتاده بود در سلک نظم و ترتيبی که بنظر قاصر او مناسب تر و لايق تر می نمود منخرط گردانيد و بطبع و نشر آن اقدام نمود و ارباب فضل و معرفت را گنجی شايگان برايگان ارمغان آورد. و اميدوار است که بوسيلهء اين کتاب امر اقدس ابهی که اليوم جميع آفاق را منوّر ساخته و وجههء عالم را دگرگون نموده گوشزد کافّهء نفوس گردد و صيت عالمگير آن بمسامع دور و نزديک برسد و السّلام،

کليفورد بارنی امريکانيّه

پاريس 16 ژانويه 1908

11 ذی الحجّه 1325